آیا شهردار جدید نیویورک می‌تواند در آمریکا دست به ساختارشکنی بزند؟

پاسخ تاریخی به معمای «زهران ممدانی»

جواد نوائیان رودسری| دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پرحاشیه آمریکا هفته گذشته بارها با زبان و ادبیات مخصوص خودش به انتخاب «زهران ممدانی» آمریکایی هندی‌تبار وابسته به جریان دینی «خوجه» اعتراض کرده و آن را مصداق روی کار آمدن کمونیست‌ها در ایالات متحده دانسته‌است. ماجرای تلاش برای متهم کردن افراد به طرفداری از مارکسیسم و حتی جریان چپ، با هدف عقب راندن کنشگران از فضای رقابت‌های سیاسی در آمریکا، چیز تازه‌ای نیست و در تاریخ این کشور سابقه‌ای طولانی دارد. در دهه ۱۹۵۰ میلادی، اتهام‌زنی براساس گرایش به کمونیسم، بسیاری از افراد مشهور آمریکا مانند چارلی‌چاپلین را گرفتار دادگاه و حتی اخراج از ایالات متحده کرد. در آن زمان، سایه جنگ سرد بر سر همه منازعات گسترده و بهانه‌تراشی براساس آن، به یک الگوی مداوم و روزمره تبدیل شده‌بود. درواقع چیزی که امروز ترامپ با تکیه بر آن به فحاشی سیاسی خود ادامه می‌دهد، برداشتی ناقص از چنین رویکردی، آن هم حدود ۳۵سال پس از پایان جنگ سرد و از بین رفتن بهانه برای هجوم به این نوع از گرایش‌های سیاسی است. اما موضوع این است آیا زهران ممدانی، چنان‌که ترامپ ادعا دارد، یک کمونیست تمام‌عیار است؟ اگر چنین فرضی را درباره ممدانی بپذیریم، آیا باید او را در ساختار سیاسی آمریکا، تافته‌ای جدابافته بدانیم که دست به ساختارشکنی‌های بزرگ خواهد زد؟ برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها، ابتدا باید به تاریخ شکل گرفتن جریان چپ در ایالات متحده بپردازیم.

■آغاز «چپ» در آمریکا

ماجرای فعالیت جریان چپ در آمریکا به مدت‌ها پیش از شکل گرفتن اتحاد جماهیر شوروی و آغاز جنگ سرد، در پی پایان یافتن جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. این جریان درواقع پاسخی به رویکردهای نظام سرمایه‌داری بود که برای چند قرن اختیار امور آمریکا را در دست داشت و هر جنبش ضد خودش را به‌شدت سرکوب می‌کرد. برخی معتقدند با ورود آمریکا به فاز صنعتی و در نتیجه آن، تشکیل جمعیت‌های کارگری و تأسیس «سندیکا»، نخستین گام‌ها برای تشکیل احزاب چپ در آن برداشته‌شد. جریان چپ، نخستین بار ۱۵ ژوئن سال ۱۸۷۶ میلادی با عنوان «حزب کار سوسیالیست آمریکا» به شکلی سازمانی در این کشور پا گرفت و از همان ابتدا کوشید در بدنه ساختار سیاسی ایالات متحده نفوذ داشته‌باشد؛ اما این نفوذ در برابر دو جریان سیاسی بزرگ و رقیب دموکرات و جمهوری‌خواه، راه به جایی نمی‌برد. چپ‌ها با وجود داشتن ظرفیت محتوایی در ادعاها و رفتارها، اصولاً فاقد قدرت نفوذ در بدنه جامعه آمریکا بودند و بخش مهمی از توانایی خود را در مصاف‌های اجتماعی با این دو حزب غالب سرمایه‌داری از دست دادند. کارگران عملاً نمی‌توانستند روی حمایت چنین حزبی حساب کنند. سال ۱۸۹۴ میلادی، اعتصاب گسترده در «محله شهر پولمن» شیکاگو، با دخالت دولت فدرال به خون کشیده شد و ۳۰ کارگر معترض در درگیری با مأموران جان خود را از دست دادند. با این حال، از کنشگران سیاسی سوسیالیست واکنش درخوری مشاهده نشد. در سال ۱۸۹۷ میلادی، حزب «سوسیال‌دموکرات‌های آمریکا» پا به عرصه وجود نهاد و حتی توانست در مجلس ایالتی «ماساچوست» نمایندگانی داشته‌باشد.

این حزب سال ۱۹۰۰ میلادی «یوجین دبس» را نامزد ریاست‌جمهوری در آمریکا کرد؛ اما تنها ۹۷هزار رأی در سراسر کشور نصیب آن‌ها شد. سال ۱۹۰۱ میلادی، حزب سوسیال دموکرات عملاً منحل شد و چپ‌ها با رهبری «یوجین دبس» حزب دیگری را موسوم به «حزب سوسیالیست ایالات متحده آمریکا» به وجود آوردند. این حزب تا سال ۱۹۷۲ میلادی دوام آورد و در اوج جریان مک‌کارتیسم فعال بود؛ با این حال، حزب سوسیالیست ایالات متحده آمریکا همواره باید در مسیر تطهیر خود از وابستگی به بلوک شرق گام برمی‌داشت. اعضای حزب باید ثابت می‌کردند تمایلی به شوروی ندارند و در چارچوب قانون اساسی آمریکا فعالیت می‌کنند. به‌ویژه آنکه در دهه ۱۹۵۰ میلادی، با تلاش‌های «ژوزف مک‌کارتی» (سناتور جمهوری‌خواه) سیاست تقابل با چپ‌ها وارد مرحله جدیدی شد و آن‌ها در تنگنای عجیبی قرار گرفتند. با انحلال «حزب سوسیالیست ایالات متحده آمریکا» در ۱۹۷۲ میلادی، فعالیت چپ‌ها در آمریکا محدودیت بیشتری یافت، اما آن‌ها با تأسیس حزب «دموکراتیک سوسیالیست‌های آمریکا» در سال ۱۹۸۲ میلادی، دوباره سازمان خود را بازیافتند و طی ۴۳ سال بعد، موقعیتشان را تثبیت کردند. اعضای این حزب توانستند در کنگره آمریکا پنج کرسی بدست بیاورند و در مجالس ایالتی نیز تاکنون ۱۲ کرسی از آن آن‌ها بوده‌است. این ارقام البته چشمگیر نیست، اما نشان می‌دهد حزب در ساختار سیاسی آمریکا فعال است و توانسته بخشی از جمعیت کشور را طرفدار خود کند. گرایش به این حزب، پس از آغاز دور نخست ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و رویکردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عجیب و هیستریک او، افزایش چشمگیری داشت و اصولاً بسیاری از تحلیلگران، پیروزی زهران ممدانی را ناشی از همین مسئله می‌دانند. با این حال، یک نکته بسیار مهم درباره جریان چپ آمریکا، چه در دوران اولیه و چه در زمان حاضر، این است که آن‌ها بخشی از ساختار سیاسی آمریکا هستند و با وجود عضویت در کنفدراسیون‌های جهانی جریان چپ، خواسته یا ناخواسته باید در فضای «رؤیای آمریکایی» گام بردارند تا بتوانند بخشی از جامعه ایالات متحده باشند و اصولاً فرصت فعالیت بدست آورند.

> ممدانی نه می‌تواند و نه احتمالاً می‌خواهد در برابر نظام سرمایه‌داری آمریکا بایستد. سوسیالیست‌های آمریکایی پیش از او نیز چنین بودند؛ آن‌ها به دنبال نفی ساختار حاکم بر آمریکا نمی‌رفتند

■درباره زهران ممدانی و خاستگاه او

اما درباره زهران ممدانی، شهردار جدید نیویورک که انتخابش جنجالی رسانه‌ای و سیاسی در ایالات متحده به وجود آورده‌است؛ ممدانی متولد شهر کامپالا در اوگانداست و در سال ۲۰۱۸ میلادی شهروندی آمریکا را بدست آورد؛ بنابراین در رده مهاجرانی است که تازه به آمریکا آمده‌اند و طبعاً مورد نفرت ترامپ و جناح هوادار او هستند. پدرش محمود ممدانی، تباری گجراتی (هندی) دارد و به خاندانی منتسب است که از نظر دینی «خوجه» هستند. خوجه‌ها (یا خواجه‌ها) گروهی از مسلمانان هندی‌تبار هستند که در قرن پانزدهم میلادی اسلام آوردند؛ اما اسلام آن‌ها آمیخته‌ای از عقاید گوناگون رایج در شبه‌قاره هند بود. نباید از یاد برد در این دوره، تلاش برای یکسان‌سازی دینی در هند، در راستای جلوگیری از درگیری‌های مذهبی، دغدغه بسیاری از اصحاب تفکر بود. در همین دوره «گورونانگ» در دره پنجاب مذهب «سیک» را بنیان نهاد که تلفیقی از عقاید هندو و اسلام است و امروزه در هند و دیگر نقاط دنیا پیروانی دارد. بنابراین، خوجه‌ها نیز با چنین رویکرد توأم با تساهلی به اسلام گرویدند. آن‌ها در قرن نوزدهم مدتی به پیروی از «آقاخان محلاتی» پرداختند که به عنوان رهبر اسماعیلیان نزاری، ارتباط خوبی با استعمار بریتانیا داشت و به‌تازگی از ایران به هند گریخته بود. با این حال، ثباتی در این عقیده وجود نداشت. گروه‌هایی از خوجه‌ها در دهه‌های بعد به مذاهب اهل‌سنت گرویدند و تعدادی نیز در حدود ۱۸۷۰ میلادی پس از دیدار با آیت‌الله شیخ عبدالله مازندرانی در نجف، پیرو مذهب شیعه اثنی‌عشری شدند. اما نکته مهم این است باورهای صوفیانه و نگاه‌های مبتنی بر تفکرات هندوئیسم، همچنان در عقاید خوجه‌ها باقی است. برخی از آن‌ها به نوعی حلول معتقدند و از این لحاظ دچار نوعی جهان‌بینی متفاوت با دیگر مسلمانان هستند. پدر زهران ممدانی در چنین محیطی رشد کرد و مدارج علمی را پیمود و با زنی هندو به نام «میرا نایر» ازدواج کرد – ازدواجی که از نظر تعالیم اسلامی موجه و جایز نیست – و زهران ممدانی حاصل همین ازدواج است. آنچه درباره تشیع زهران ممدانی انتشار یافته، درواقع برگرفته از چنین مرجع خاص عقیدتی است. با وجود این سابقه دینی در خاندان ممدانی، به نظر می‌رسد او عملاً به هیچ کدام از عقاید خاندانش وابستگی و دلبستگی ندارد. ممدانی خود را یک دموکرات سوسیالیست می‌داند. ویکی‌پدیا او را همزمان به عنوان عضو حزب دموکرات و نیز حزب «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» - که درباره‌اش نکاتی را ارائه کردیم – معرفی می‌کند. ممدانی در سال ۲۰۱۶ میلادی، زمانی که یک جوان بیست‌وپنج‌ساله بود و هنوز تابعیت آمریکایی نداشت، در کمپین انتخاباتی «برنی سندرز» - سناتور ظاهراً مستقل اما وابسته به حزب دموکرات – حضور پیدا کرد و از آن زمان خود را یک سوسیالیست دموکرات می‌دانست. زهران در کارنامه سیاسی خود، سخت به آنچه مبتنی بر «تفکر آمریکایی» است، پایبندی نشان می‌دهد. او چندی پیش در رژه همجنس‌گراهای نیویورک حضور یافت و با وجود محکوم کردن نسل‌کشی در غزه و تشکیل جنبش بایکوت رژیم صهیونیستی، حملات حماس به سرزمین‌های اشغالی را به عنوان جنایت جنگی محکوم کرد. ممدانی با محکوم کردن ونزوئلا و کوبا و حمله به رؤسای جمهور آن نشان داد به نوعی سوسیالیسم آمریکایی باور دارد و نمی‌خواهد گرایش‌های چپ، او را از فضای سیاسی آمریکا جدا کند و بهانه به دست مخالفانش بدهد. نگاه ممدانی به مسئله فلسطین، برداشتی آزاد و البته محدود از رویکرد دموکرات‌ها نسبت به این قضیه است و نمی‌توان آن را به عنوان الگویی جدید و نوآورانه تلقی کرد. به دیگر سخن، با وجود همه درگیری‌ها و فحاشی‌هایی که این روزها میان ترامپ و جناح زهران ممدانی وجود دارد، در یک اصل نمی‌توان تردید داشت و آن، آمریکایی بودن ممدانی است. او بدون این برچسب نمی‌تواند در فضای سیاسی آمریکا به تکاپو بپردازد.

■پاسخ به پرسش‌ها

اکنون زمان آن است که به دو پرسش ابتدای نوشتار پاسخ دهیم. با توجه به آنچه درباره ماهیت احزاب سوسیالیست در آمریکا و نیز نوع نگاه زهران ممدانی به مقوله سوسیالیسم گفتیم، به هیچ روی نمی‌توان ممدانی را یک کمونیست تمام‌عیار دانست. او نه می‌تواند و نه احتمالاً می‌خواهد در برابر نظام سرمایه‌داری آمریکا بایستد. سوسیالیست‌های آمریکایی پیش از او نیز چنین بودند؛ آن‌ها به دنبال نفی ساختار حاکم بر آمریکا نمی‌رفتند، بلکه تلاش آن‌ها مبتنی بر توجه بیشتر دولت و حمایت‌های آن از مهاجران و طبقات فرودست جامعه و تلاش برای توسعه مقوله‌هایی مانند درمان و تحصیل رایگان برای این طبقات بود. از سوی دیگر، اگر به پیشینه خوجه بودن عقاید خاندانی ممدانی و سخنان او درباره مذهب شیعه – که بیشتر به یک شوِ فریبنده شباهت دارد تا ارادت خالصانه – کاری نداشته باشیم، کارنامه چند سال اخیر او کافی است تا دریابیم زهران ممدانی، اصولاً در زمین دیگری بازی می‌کند که قواعد خاص خودش را دارد و او اگر بخواهد به بازی در این زمین ادامه دهد، خواسته یا ناخواسته باید در چارچوب همین قواعد بازی کند. بنابراین، پیش‌بینی ساختارشکنی عمیق در نظام آمریکا و به‌ویژه، تصویر کردن چشم‌اندازی فوق‌العاده در حوزه سیاست خارجی این کشور، به نظر نوعی توهم کودکانه است؛ توهمی که رسانه‌های غربی، به هر دلیل، در دامن زدن به آن نقش زیادی دارند.

گزارش تاریخی

هنر «قلم کردن» دست استعمار

رودسری| میرزا تقی‌خان را باید نخستین پرچم‌دار استعمارستیزی در ایران بدانیم. او بر اندیشه‌های نوگرایانه عباس‌میرزا و قائم مقام فراهانی، تدبیر مهار بیگانگان را هم افزود و توانست با دیپلماسی مؤثری که دنبال می‌کرد آن‌ها را در بسیاری از عرصه‌ها به بن‌بست برساند. عهدنامه گلستان، ترکمانچای و نیز عهدنامه مفصل، دست روس و انگلیس را در میدان وسیع ایران بازگذاشته بود. روس‌ها عملاً در امور دربار دخالت می‌کردند، چرا که خود را حافظ و مراقب حاکمیت قاجارها می‌دانستند؛ این مسئله، یکی از مفاد عهدنامه ترکمانچای بود. با این حال، امیر با کیاستی توأم با عزت، گام به گام، استعمارگران را عقب راند و با اتخاذ شیوه‌ای سیاستمدارانه، آن‌ها را به دردسری مهلک انداخت. در ادامه به تعدادی از روش‌هایی که وی در برخورد با استعمارگران به کار می‌بست، اشاره می‌کنیم؛ همین رویکرد امیرکبیر سبب شد روس و انگلیس، در برکناری وی هم‌داستان شوند و همسو با درباریان تنگ‌نظر، به سرپرستی مهدعلیا، مادر شاه و مادرزن امیر، زمینه عزل و سپس شهادت وی را فراهم کنند.

پافشاری بر عزت: امیرکبیر بر پایداری عزت ایرانی تأکیدی استوار داشت. او را باید احیاکننده عزت ایرانی، پس از دوران شکننده فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار بدانیم. وی به دلیل تسلط بر روابط بین‌المللی، تحت هیچ شرایطی تن به درخواست‌های خارج از شمول روس و انگلیس نمی‌داد و حتی در برخورد با سفرای این دولت‌ها، آن‌ها را وادار می‌کرد به صدراعظم ایران احترام بگذارند.

امیر دستور داده بود در پایتخت کشورهایی که در تهران صاحب نماینده هستند، سفارتخانه ساخته و پرچم ایران بر فرازش برافراشته شود. او مُصِر بود که دولت‌های اروپایی باید همان تشریفاتی را برای سفیران ایران منظور دارند که برای سفیران کشورهای قاره خودشان اجرا می‌کنند. امیرکبیر که پاکدستی تمام‌عیار بود، هرگز تن به رشوه و وعده‌های مالی درنمی‌داد و با خاطیان به‌شدت برخورد می‌کرد. برخورد امیر با سفیر انگلیس و پاسخ وی به اعتراض سفیر که خواستار پاسخ به نامه‌هایش از سوی صدراعظم ایران شده بود، غرور هر ایرانی را برمی‌انگیزد؛ امیرکبیر به سفیر انگلیس یادآوری کرد در شأن صدراعظم ایران نیست که پاسخ سفیر را بدهد و او باید به وزیر خارجه مراجعه کند.ضربه زدن با سلاح دشمن: امیر در ابتدای صدارتش، سلاح و ارتش منظم در اختیار نداشت و می‌دانست بدون این‌ها قادر به غلبه بر استعمارگرانی که برای چپاول ایران دندان تیز کرده‌اند، نیست. به همین دلیل کوشید اولاً، آن‌ها را مقابل یکدیگر قرار دهد و از مشکلات و رقابت‌هایشان، فرصتی برای پیشرفت ایران بسازد؛ ثانیاً، تلاش کرد با دولت‌های ثالث ارتباط بگیرد و به‌تدریج ایران را از قید و بند وابستگی به دو دولت استعماری برهاند؛ سفارش وی به موسیو جان داود، برای استخدام معلمان دارالفنون از غیر انگلیس و روسیه، در همین راستا صورت گرفت؛ ثالثاً در مواردی که ناچار به پذیرش خواست این دولت‌ها بود، آن‌ها را طوری دور می‌زد که در نهایت، قرارداد مضر، برای ایران نافع می‌شد. نمونه آشکار این اقدام را باید در عقب راندن روس‌ها از ترکمن صحرا و انعقاد قرارداد بازدید کشتی‌های فعال در خلیج‌فارس توسط ناوگان انگلیس مشاهده کرد؛ در قرارداد اخیر، انگلیسی‌ها حق ورود به کشتی‌ها را نداشتند و فقط بازرسان ایرانی می‌توانستند این کار را انجام دهند.تلاش برای خودکفایی: امیرکبیر اهتمام فراوانی به ساخت مملکت به دست فرزندان ایران داشت؛ از خیر هیچ فرصتی برای توسعه تولید داخلی نمی‌گذشت؛ حتی ساخت سردوشی لشکر را که از فرانسه وارد می‌شد به خورشیدخانم نامی، در بازار تهران واگذار کرد. امیرکبیر به فعالان عرصه صنعت، معافیت چند ساله مالیاتی می‌داد و گروهی از زبان‌دان‌ها را گرد آورده بود تا برایش آثار علمی جدید غرب را ترجمه کنند و تأکید می‌کرد نسخه‌هایی از این کتاب‌ها برای مسئولان امر فرستاده شود. این کار به بالا رفتن بینش مدیریتی در میان کارگزاران انجامید.

آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۲۸۹۳
سند و برگ سبز تاکسی سمند مدل ۱۳۹۴ به شماره پلاک ۱۲ ایران ۹۴۷ ت ۶۳شماره موتور ۱۴۷H۰۱۲۷۰۰۴ و شاسی NAACJ1JE5FF503404 به مالکیت هانی یونسی دلیر مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۲۹۴۶
برگ سبز خودرو سواری دوو تیپ سی یلو رنگ سبز- سربی مدل ۱۳۷۶ به شماره شهربانی ۳۵ ج ۶۷۷ ایران ۱۲ و شماره شاسی IR۷۶۱۶۵۰۰۱۵۲۱ و شماره موتور ۵۶۳۱۵۷ به مالکیت سید جواد حسینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می گردد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۲۹۰۳
برگ سبز خودرو ساینا مدل ۱۳۹۸ به رنگ سفید به شماره پلاک ۵۴۱ م ۴۶ ایران ۱۲ به شماره موتور M15/8776777 به شماره شاسی NAS۸۳۱۱۰۰K۵۸۸۳۰۳۱ به نام علی اکبر زیرکی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۲۸۹۹
برگ سبز و سند کمپانی و کارت وسیله نقلیه وانت مزدا ۱۶۰۰ به شماره انتظامی ایران ۴۲ - ۹۵۸ ن ۱۵ و شماره شاسی ۷۰۶۰۰۰۲۷ و شماره موتور ۱۸۹۳۹۶بنام محمد حسن آقا محمدی به شماره ملی ۰۷۵۹۷۵۰۲۰۳ مفقود و اعتبار ندارد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۲۹۴۴
برگ سبز سواری پراید مدل ۱۳۸۱ بشماره انتظامی ایران ۶۶_۸۲۹ ج ۱۶ شماره موتور ۴۰۱۲۰۳ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۱۸۶۷۱۰۱ بنام مهدی کندی با کد ملی ۰۰۷۲۲۵۷۹۶۲ مفقود واعتبار ندارد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۲۸۹۲
سند مالکیت خودرو سواری ام .وی.ام x۲۲ مدل ۱۴۰۳ رنگ سفید روغنی به شماره موتور MVME۴G۱۵CBMR۰۳۷۲۶۷ و شماره شاسی NATFBAAC۲R۱۰۳۳۹۰۷ و به شماره پلاک ۴۴۸ ی ۷۸ ایران ۳۲ بنام صدیقه حاج میرزائی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۳۵۱۰۰۰۵۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خلیل آباد تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی کمیته امداد امام خمینی(ره)بشماره شناسه ملی ۱۴۰۰۱۹۱۳۷۹۵ در ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۳۸/۵۰۲۱۲ مربع قسمتی از ششدانگ پلاک شماره یک فرعی از ۱۹۸ اصلی بخش دو خلیل آباد خریداری از مالک رسمی آقایان هادی تقوی خلیل آباد ومحمود فیض وغلام رضا پرهیزی وعلی اکبر فتحیه ثانی فدافن محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

آ-۱۴۰۴۱۲۰۰۳

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۸/۰۴

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

علی خدادادی - رییس ثبت اسناد و املاک خلیل آباد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای صادره بشماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۸۰۲۱۰۰۴۰۹۲مورخه ۱۴۰۳/۰۸/۰۱ و ۱۴۰۳۶۰۳۱۸۰۲۱۰۰۴۰۸۸ مورخه ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کوچصفهان ، بخش ۱۰ گیلان خریداری از مالک اصلی تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ذیل :

پلاک ۷۰۴ فرعی از سنگ اصلی ۵ قریه سده مورد تقاضای آقای منوچهر ایمانی سدهی فرزند محمد اسمعیل به شماره شناسنامه ۸ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی طرح تجهیز شده به مساحت ۲۲۷۹/۶۰ متر مربع .

۲ - پلاک ۷۰۵ فرعی از سنگ اصلی ۵ قریه سده مورد تقاضای آقای منوچهر ایمانی سدهی فرزند محمد اسمعیل به شماره شناسنامه ۸ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی طرح تجهیز شده به مساحت ۳۸۴۵/۳۶ مترمربع محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۴۴۷۳- شناسه آگهی۲۰۳۰۹۳۴

آ-۱۴۰۴۱۱۹۹۹

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۸/۰۴

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

بهروز غلامپور - رییس اداره ثبت اسناد و املاک کوچصفهان

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰.۰۹.۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۰۸۰۰۴۷۱۵ مورخ ۱۴۰۴.۰۴.۲۳ هیات تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی طرقبه شاندیز تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی خانم کتایون بنی فاطمی خراسانی به شناسنامه شماره ۲۸۷ کد ملی ۰ ۹۳۹۶۶۵۸۲۴ صادره مشهد فرزند مجتبی مورد تقاضا و انتقال از محل مالکیت مشاعی آقایان غلامحسین الهوردیان و حسین هرمز زاده و عباس علیزاده و ابراهیم رحیمی شاندیز و خانم کتایون بنی فاطمی به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری زراعی به مساحت ۳۹۶۷.۰۷ متر مربع و قسمتی از پلاک شماره ۲۵ فرعی از ۱۶۵ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی و کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

م الف ۱۴۰۴،۸۳۳

آ-۱۴۰۴۱۱۹۹۴

تاریخ انتشار نوبت اول :۱۴۰۴،۰۸،۰۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴،۰۸،۱۹

حسن ابوترابی - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز

آگهی موضوع ماده۳قانون وماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای‌فاقدسندرسمی

برابررای شماره۱۴۰۴۶۰۳۰۴۶۰۰۳۸۸۱مورخ۱۴۰۴/۶/۹هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک پیشواتصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سعیدیحیی ورامینی فرزندعلی بشماره شناسنامه۹۲۹۷صادره ازدریک باب خانه-یک قطعه زمین مزروعی به مساحت۱۳۷۸۷/۲۷مترمربع پلاک۱۹فرعی از۶-اصلی مفروزمجزی شده ازپلاک۱۹فرعی از۶-اصلی واقع حوزه ثبتی پیشوا خریداری ازمالک رسمی.مالکیت احدی ازورثه مرحوم غلامرضایحیی ورامینی وعلی یحیی ورامینی مالک اولیه حسب تقاضای ثبت اولیه ششدانگ بوده است محررگردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله۱۵روزآگهی می شوددرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خودرابه مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکورو عدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. ۳۲۹م الف آ-۱۴۰۴۱۲۰۰۴

انتشارنوبت اول:۱۴۰۴/۸/۴

انتشارنوبت دوم ۱۴۰۴/۸/۱۹

حمیدرضاتاجیک خاوه-رئیس ثبت اسنادواملاک پیشوا

آگهی موضوع ماده۳قانون وماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای‌فاقدسندرسمی

برابررای شماره۱۴۰۴۶۰۳۰۴۶۰۰۳۸۷۸مورخ۱۴۰۴/۶/۹هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک پیشواتصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سعیدیحیی ورامینی فرزندعلی بشماره شناسنامه۹۲۹۷صادره ازدریک باب خانه-یک قطعه زمین مزروعی به مساحت۱۷۸۶مترمربع پلاک۱۹فرعی از۶-اصلی واقع حوزه ثبتی پیشوا خریداری ازمالک رسمی.مالکیت غلامرضایحیی ورامینی حسب تقاضای نامه اولیه ششدانگ مالک ملک فوق بوده است خریداری ازاحدی ازورثه بنام علی وفایی بوده محررگردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله۱۵روزآگهی می شوددرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خودرابه مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکورو عدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد.۳۲۸م الف

آ-۱۴۰۴۱۲۰۰۵

انتشارنوبت اول:۱۴۰۴/۸/۴

انتشارنوبت دوم ۱۴۰۴/۸/۱۹

حمیدرضاتاجیک خاوه-رئیس ثبت اسنادواملاک پیشوا